تحلیل جامع اظهارات برخی مسئولان درباره احتمال تغییر دکترین هسته‌ای ایران

شطرنج هسته‌ای ایران؛ دکترین بازدارندگی در برابر تهدید

سعید سیفی
استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل راهبردی

در دوران کنونی که روابط بین‌الملل شاهد تحولات سریع و پیچیده‌ای است، اظهارات و مواضع مسئولان عالی‌رتبه یک کشور می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌های داخلی و بین‌المللی آن کشور ایفا کند.

برخی مسئولان در عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، اخیراً اظهاراتی داشته که بازتاب‌های گسترده‌ای در محافل سیاسی، بین‌المللی و حتی اقتصادی مرتبط با ایران داشته است؛ اظهاراتی که به‌مثابه حرکت جدید در شطرنج هسته‌ای ایران از سوی برخی مسئولان برداشت شده و بعد از گذشت چندروز، با هنوز سیاستمداران، کارشناسان و رسانه‌های مختلف دنیا، ابعاد مختلف آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهند. از آنجا که این اظهارات با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شده و بدون‌شک تأثیرهایی نیز بر شرایط حال حاضر و همچنین امور راهبردی کشور ما، به همراه خواهد داشت، نویسنده در این یادداشت، تلاش دارد در ۷ گام، اظهارات برخی مسئولان را از منظر تحلیلی و تجزیه‌ای، مورد واکاوی و بررسی قرار داده تا درک بهتری از ماهیت و تأثیرات آن به مخاطبان، ارائه دهد. در این یادداشت برای تحلیل راهبردی اظهارات برخی مسئولان، بر مبنای ضرورت و با هدف درک بهتر، در گام اول، مبانی نظری روابط بین‌الملل مثل نظریه‌های بازدارندگی (Deterrence Theory) و واقع‌گرایی (Realism) مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در ادامه و در گام دوم، نگاهی به واکنش‌ها و پیامدهای دیپلماتیک کشورهای عضو گروه ۴+۱ (انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و چین) که پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، ظرف‌های باقی‌مانده در توافق هسته‌ای محسوب می‌شوند، به اظهارات برخی مسئولان، خواهیم داشت و بررسی خواهیم کرد؛ آیا این سخنان بر مذاکرات احتمالی در باره احیای برجام تأثیر خواهد گذاشت؟ و مهم‌تر اینکه، آیا این اظهارات باعث خواهد شد که آمریکا و متحدانش در سیاست‌های تحریمی خود تجدیدنظر کنند یا برعکس، فشارها را افزایش خواهند داد؟ در گام سوم، پیامدها و اثرات داخلی و منطقه‌ای این اظهارات بررسی خواهد شد و در گام چهارم، سیاق تجارب تاریخی و مقایسه شرایط با سایر کشورها خواهیم رفت و بررسی خواهیم کرد تجربه‌های تاریخی سایر کشورها مانند کره شمالی، پاکستان و هند در اتخاذ مواضع مشابه چه درس‌هایی برای کشورمان دارند. در گام پنجم، اثرات اقتصادی و تحریمی اظهارات مذکور بررسی خواهد شد و در گام ششم، به نقش رسانه‌ها و جنگ‌شناختی پرداخته خواهد شد.

و ضمن توجه به تفسیر رسانه‌های غربی از این اظهارات، در مقابل، بررسی خواهیم کرد که آیا این اظهارات می‌تواند بخشی از یک استراتژی جنگ‌شناختی ایران علیه دشمنانش باشد. در گام هفتم و آخرین بخش، آینده سیاست هسته‌ای ایران و اینکه آیا این سخنان می‌تواند مقدمه‌ای برای تغییر در سیاست‌های هسته‌ای ایران باشد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بعد از هفت گام مذکور نیز در قالب جمع‌بندی و پیشنهادها، به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که براساس شواهد و تحلیل‌ها، بهترین استراتژی برای ایران در این شرایط چیست.

گام اول
مبانی نظری تحلیل اظهارات برخی مسئولان

برای تحلیل راهبردی اظهارات برخی مسئولان در چهارچوب سیاست خارجی و امنیت بین‌الملل، می‌توان از دو نظریه کلیدی در روابط بین‌الملل استفاده کرد، نظریه بازدارندگی (Deterrence Theory) و نظریه واقع‌گرایی (Realism). در این چهارچوب، سیاست‌های ایران به‌ویژه در زمینه هسته‌ای و دفاعی باید از منظر قدرت‌نمایی و دیپلماسی، همزمان مورد توجه قرار گیرد. این تحلیل شامل مفاهیمی همچون «تهدید متقابل» (Mutual Threat) و «موازنه وحشت» (Balance of Terror) است که در آن، ایران از یک‌سو به تقویت قابلیت‌های دفاعی خود پرداخته و از سوی دیگر در عرصه دیپلماسی سعی می‌کند تا از بروز اثرات منفی اظهارات خود، بر افزایش تنش‌ها برای جلوگیری از ماجراجویی‌های احتمالی نسبت به این اظهارات را بهتر درک کنیم.

نظریه بازدارندگی (Deterrence Theory)

نظریه بازدارندگی بیان می‌کند که یک کشور می‌تواند با تهدید به استفاده از توانایی‌های نظامی یا تحمیل هزینه‌های سنگین بر دشمن، او را از انجام اقدام خصمانه بازدارد. این نظریه بر پایه ایجاد «ترس از تلافی» شکل می‌گیرد و معمولاً در سیاست‌های هسته‌ای نقش کلیدی دارد. بر مبنای این نظریه، برخی مسئولان در اظهارات خود، با ارسال پیام، ایجاد موازنه تهدید و سپس، اگر لازم شد، تصمیمات استراتژیک آمریکایی‌ها، در صدد ایجاد مثلث بازدارندگی بوده‌است.

ارسال پیام هشدار به آمریکا و متحدانش

اظهارات برخی مسئولان، اگرچه به لحاظ تعبیر فوری در سیاست هسته‌ای ایران نیست، اما می‌تواند بخشی از یک استراتژی بازدارندگی هوشمندانه باشد. اظهارات برخی مسئولان این بود به آمریکا و متحدانش رسانده که اگر تهدیدها و فشارهای نظامی و اقتصادی علیه ایران افزایش یابد، ممکن است کشور نیز در سیاست‌های هسته‌ای خود بازنگری کند.

ایجاد موازنه تهدید (Threat Balance)

اظهارات یا به بیان دیگر موضع‌گیری برخی مسئولان، می‌تواند هزینه‌های احتمالی یک حمله نظامی را افزایش دهد و از بروز اثرات منفی اظهار مقابل بالا ببرد و مانع از اقدامات شتاب‌زده شود. مشابه این رویکرد را در دوران جنگ سرد میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی دیده‌ایم که هر دوطرف از زیان تهدید برای پیشگیری از جنگ مستقیم استفاده می‌کردند.

اثرگذاری بر تصمیمات استراتژیک آمریکا

این پیام به تصمیم‌سازان آمریکایی هشدار می‌دهد محاسبات خود را درباره توانایی‌ها و واکنش‌های ایران اصلاح کنند. درصورتی که این تهدیدهای مقام ایرانی جدی تلقی شود، ممکن است آمریکا به‌جای تشدید فشار، به گزینه‌های دیپلماتیک بیشتری فکر کند.

نظریه واقع‌گرایی (Realism)

واقع‌گرایی یکی از نظریه‌های بنیادین روابط بین‌الملل است که بر سه اصل قدرت، امنیت و منافع ملی به‌عنوان مهم‌ترین محرک‌های سیاست خارجی کشورها تأکید دارد. در این دیدگاه، نظام بین‌المللی آنارشی (Anarchy) است، به این معنا که هیچ قدرت مرکزی قادر به تضمین امنیت کشورها نیست؛ بنابراین دولت‌ها برای حفظ بقا و افزایش قدرت، به‌دنبال ایجاد موازنه قوا

ادامه در صفحه ۱۵

یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴
۰۱۴
شماره ۴۳۸۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

هستند. با توجه به اهمیت امنیت در نظام بین‌المللی بی‌ثبات، ایران در محیطی ژئوپلیتیک قرار دارد که تهدیدهای متعددی از سوی آمریکا، رژیم اسرائیل و برخی کشورهای منطقه‌ای احساس می‌کند. در این شرایط، اظهارات برخی مسئولان را می‌توان بخشی از یک راهبرد واقع‌گرایانه برای افزایش امنیت ملی ارزیابی کرد. در واقع‌گرایی کشورها اغلب از سیاست تهدید متقابل (Threat for Threat) برای کنترل رفتار طرف مقابل استفاده می‌کنند. ایران با نشان دادن این که افزایش تهدیدات خارجی می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیری برای غرب داشته باشد، سعی می‌کند با ابزار قدرت، محاسبات آن‌ها را تغییر دهد. همان‌طور که در جنگ سرد، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای از استراتژی توازن وحشت (Balance of Terror) برای جلوگیری از درگیری مستقیم استفاده می‌کردند، ایران نیز در واقع با استفاده از تهدید به تغییر سیاست‌های هسته‌ای خود، به‌عنوان یک اهرم مذاکره و بازدارندگی استفاده کرد.

به اعتقاد نویسنده، براساس دو نظریه بازدارندگی و واقع‌گرایی، اظهارات برخی مسئولان را می‌توان به‌عنوان بخشی از یک راهبرد هوشمندانه امنیتی و دیپلماتیک در نظر گرفت که سه هدف اصلی را پیگیری کرد. افزایش هزینه‌های احتمالی برای آمریکا و متحدانش در صورت ادامه سیاست فشار حداکثری، ارسال پیام هشدار به طرف‌های بین‌المللی برای جلوگیری از اقدامات اشتباه و محاسبات غلط در قبال ایران و تقویت موقعیت ایران در مذاکرات دیپلماتیک آینده، با برجسته‌سازی پیامدهای فشارهای شدیدتر.

این تحلیل نشان می‌دهد برخی مسئولان در قالب یک رویکرد هوشمندانه، بدون اعلام تغییر در سیاست‌های رسمی ایران تلاش کرده تا یک بازدارندگی محاسبه‌شده را در برابر تهدیدهای خارجی ایجاد کند که هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی، می‌تواند پیامدهای قابل توجهی به همراه داشته باشد.

گام دوم
واکنش و پیامدهای برجامی و تحریمی

واکنش‌ها و پیامدهای برجامی و تحریمی

نظریه بازدارندگی (Deterrence Theory)

نظریه بازدارندگی بیان می‌کند که یک کشور می‌تواند با تهدید به استفاده از توانایی‌های نظامی یا تحمیل هزینه‌های سنگین بر دشمن، او را از انجام اقدام خصمانه بازدارد. این نظریه بر پایه ایجاد «ترس از تلافی» شکل می‌گیرد و معمولاً در سیاست‌های هسته‌ای نقش کلیدی دارد. بر مبنای این نظریه، برخی مسئولان در اظهارات خود، با ارسال پیام، ایجاد موازنه تهدید و سپس، اگر لازم شد، تصمیمات استراتژیک آمریکایی‌ها، در صدد ایجاد مثلث بازدارندگی بوده‌است.

ارسال پیام هشدار به آمریکا و متحدانش

اظهارات برخی مسئولان، اگرچه به لحاظ تعبیر فوری در سیاست هسته‌ای ایران نیست، اما می‌تواند بخشی از یک استراتژی بازدارندگی هوشمندانه باشد. اظهارات برخی مسئولان این بود به آمریکا و متحدانش رسانده که اگر تهدیدها و فشارهای نظامی و اقتصادی علیه ایران افزایش یابد، ممکن است کشور نیز در سیاست‌های هسته‌ای خود بازنگری کند.

ایجاد موازنه تهدید (Threat Balance)

اظهارات یا به بیان دیگر موضع‌گیری برخی مسئولان، می‌تواند هزینه‌های احتمالی یک حمله نظامی را افزایش دهد و از بروز اثرات منفی اظهار مقابل بالا ببرد و مانع از اقدامات شتاب‌زده شود. مشابه این رویکرد را در دوران جنگ سرد میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی دیده‌ایم که هر دوطرف از زیان تهدید برای پیشگیری از جنگ مستقیم استفاده می‌کردند.

اثرگذاری بر تصمیمات استراتژیک آمریکا

این پیام به تصمیم‌سازان آمریکایی هشدار می‌دهد محاسبات خود را درباره توانایی‌ها و واکنش‌های ایران اصلاح کنند. درصورتی که این تهدیدهای مقام ایرانی جدی تلقی شود، ممکن است آمریکا به‌جای تشدید فشار، به گزینه‌های دیپلماتیک بیشتری فکر کند.

نظریه واقع‌گرایی (Realism)

واقع‌گرایی یکی از نظریه‌های بنیادین روابط بین‌الملل است که بر سه اصل قدرت، امنیت و منافع ملی به‌عنوان مهم‌ترین محرک‌های سیاست خارجی کشورها تأکید دارد. در این دیدگاه، نظام بین‌المللی آنارشی (Anarchy) است، به این معنا که هیچ قدرت مرکزی قادر به تضمین امنیت کشورها نیست؛ بنابراین دولت‌ها برای حفظ بقا و افزایش قدرت، به‌دنبال ایجاد موازنه قوا شود آنها باقدت وسخت‌گیری بیشتری مسائل را پیگیری کنند. اما تا همین جای کار، با در نظر گرفتن صدور بیانیه‌ها و اظهارات سیاستمداران کشورهای فوق باید اذعان کرد که برخی مسئولان کار خود را انجام داده، پیامش را به جامعه هدفش رسانده، با توجه به واکنش‌های قابل توجه مذکور، حساسیت، توجه و تعامل مدنظر را ایجاد کرده و با توجه به شرایط موجود، به بازدارندگی لازم دست پیدا کرده است. البته در این میان، ادامه دیپلماسی و خویشتن‌داری از سوی همه طرف‌ها برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها و حفظ ثبات منطقه‌ای، اهمیتی پررا ضح دارد.

گام سوم
پیامدهای داخلی و منطقه‌ای اظهارات برخی مسئولان

اظهارات برخی مسئولان در باره احتمال تغییر رویکرد ایران در مسئله هسته‌ای در صورت تشدید فشارهای خارجی، نه تنها در عرصه بین‌المللی واکنش‌هایی را برانگیخته، بلکه در سطح داخلی و منطقه‌ای نیز واکنش‌های قابل توجهی را به همراه داشته است. در گام سوم، تأثیرات این موضع‌گیری به دو حوزه، افکار عمومی داخلی، همگرایی سیاسی در کشور و روابط ایران با شرکای استراتژیک خود در منطقه، بررسی می‌شود.

تأثیر بر افکار عمومی داخلی ایران

درخصوص تأثیر برخی مسئولان بر افکار عمومی داخلی ایران، سه محور افزایش احساس امنیت ملی و انسجام داخلی، دوقطبی شدن دیدگاه‌ها در داخل کشور و تأثیر بر مطالبه‌گری عمومی باید موردتوجه قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای اظهارات مذکور، تقویت حس امنیت ملی در میان شهروندان ایرانی است. در شرایطی که تهدیدهای نظامی علیه ایران از سوی آمریکا و رژیم اسرائیل افزایش یافته، این سخنان می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از عزم و قاطعیت مسئولان ایرانی در دفاع از کشور تلقی شود. چنین مواضعی معمولاً باعث افزایش اعتماد عمومی به حاکمیت و کاهش اضطراب‌های ناشی از تهدیدهای خارجی می‌شود. بااین‌حال، این موضع‌گیری‌ها ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی را نیز در داخل کشور ایجاد کند. حامیان سیاست‌های بازدارندگی معتقدند اظهارات برخی مسئولان به‌مثابه یک هشدار راهبردی برای دشمنان ایران است و می‌تواند از افزایش تهدیدها جلوگیری کند؛ اما در مقابل منتقدان داخلی، به‌ویژه گروه‌های متمایل به دیپلماسی و تعامل با غرب، ممکن است نگران باشند که این چنین سخنانی، فضای مذاکرات احتمالی را پیچیده‌تر کرده و بهانه‌ای برای تشدید فشارهای بین‌المللی فراهم کند.

در تأثیر اظهارات برخی مسئولان بر مطالبه‌گری عمومی در داخل کشور نیز باید گفت اگرچه سیاست‌رسمی جمهوری اسلامی ایران تاکنون چه‌بسا بین‌المللی، از زیابی تسلیحات هسته‌ای استوار بوده، اما در شرایطی که تهدیدهای نظامی افزایش یابد، برخی گروه‌های داخلی ممکن است خواستار تغییر سیاست‌های هسته‌ای ایران شوند. برخی مسئولان نیز دقیقاً به این نکته اشاره کرده که در صورت افزایش تهدیدات، افکار عمومی ایران ممکن است از مسئولان بخواهند که با هدف دفاع از کشور، به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای حرکت کنند.

تأثیرات بر همگرایی سیاسی داخلی

پیرامون تأثیرات اظهارات برخی مسئولان بر همگرایی سیاسی داخلی، می‌توان تأثیر از بر تقویت وحدت نخبگان سیاسی در برابر تهدیدات خارجی و همچنین تأثیر بر سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را به عنوان دو محور اصلی مورد بررسی قرار داد.

در شرایطی که فشارهای بین‌المللی بر ایران افزایش می‌یابد، چنین موضع‌گیری‌هایی معمولاً باعث تقویت وحدت میان گروه‌های مختلف حاکمیت می‌شود. حتی گروه‌هایی که رویکردهای متفاوتی نسبت به سیاست خارجی دارند، به احتمال زیاد، در مواجهه با تهدیدات خارجی، بر سر حفظ منافع ملی و امنیت کشور به توافق می‌رسند. اما از طرف دیگر، این موضع‌گیری می‌تواند بسه بحث‌های داخلی درباره لزوم بازنگری در راهبردهای کلان ایران در زمینه بازدارندگی و دفاع ملی دامن بزند. اگر تهدیدات خارجی شدت یابد، امکان دردمقامات عالی رتبه کشور، استراتژی‌های جدیدی را برای تقویت بازدارندگی هسته‌ای و غیرهسته‌ای در نظر بگیرند، موضوعی که در واکنش‌ها و تحلیل‌های کارشناسان بعد از اظهارات مذکور، تا حد زیادی دیده شد.

پیامدهای منطقه‌ای و روابط ایران با شرکای استراتژیک

درباره تأثیر اظهارات برخی مسئولان بر معادلات امنیتی منطقه، دوگانه اصلی که در مقابل یکدیگر وجود دارد، قابل توجه و تحلیل است. اظهارات برخی مسئولان از طرفی، می‌تواند موجب افزایش حساسیت و دغدغه در میان کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس شود. این کشورها که همواره نسبت به برنامه هسته‌ای ایران حساس بوده‌اند، ممکن است این سخنان را نشانه‌ای از تغییر احتمالی در سیاست‌های ایران تلقی کرده و برای افزایش همکاری‌های امنیتی خود با دیگر کشورهای قابل توجه مذکور، حساسیت، توجه و تعامل مدنظر را ایجاد کرده و با توجه به شرایط موجود، به بازدارندگی لازم دست پیدا کرده است. البته در این میان، ادامه دیپلماسی و خویشتن‌داری از سوی همه طرف‌ها برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها و حفظ ثبات منطقه‌ای، اهمیتی پررا ضح دارد.

گام چهارم
بررسی تجارب سایر کشورها در مقایسه با ایران

نویسنده در گام چهارم، تجارب تاریخی کشورهای مختلف در اتخاذ مواضع مشابه با ایران که می‌تواند درک بهتری از پیامدهای احتمالی چنین مواضعی را فراهم کند، بررسی خواهد کرد. در این راستا، تجربه سه کشور کره شمالی، پاکستان و هند در زمینه برنامه‌های هسته‌ای و واکنش جامعه بین‌المللی، از زیابی خواهد گرد. کره شمالی از جمله کشورهایی است که از زاهمیت هسته‌ای به‌عنوان ابزار بقا، استفاده کرده است. این کشور، یکی از معدود کشورهایی است که با خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و انجام آزمایش‌های متعدد، به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شد. مسیر این کشور نشان می‌دهد در شرایطی که یک کشور احساس کند امنیت ملی آن به‌شدت در خطر است، ممکن است از بازدارندگی هسته‌ای به‌عنوان راهی برای حفظ بقای خود استفاده کند. به اعتقاد نویسنده، کره شمالی به ۳ دلیل تهدیدات خارجی، عدم اعتماد به توافقات بین‌المللی و دیپلماسی محدود، تصمیم به هسته‌ای شدن گرفت. آمریکایی‌ها با رها نهادند کره شمالی به تنهایی تحت فشار قرار گیرد، زیرا این تصمیم می‌تواند به یک تهدید منطقه‌ای تبدیل شود. این کشور در برابر تهدیدات خارجی عقب‌نشینی نخواهد کرد. یکی از نشانه‌های این تحلیل، واکنش کشورهای عربی به اظهارات اخیر ترامپ بود که تأکید کردند به آمریکا اجازه نخواهند داد از آسمان کشورشان رو به‌رو شود و از حمله استفاده کند. اما تأثیر اظهارات برخی مسئولان بر روسیه و چین به عنوان شرکای استراتژیک ایران نیز، اهمیت زیادی دارد. روسیه و چین همواره مخالف سیاست‌های فشار حداکثری آمریکا علیه ایران بوده‌اند و از حق ایران برای توسعه فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز حمایت کرده‌اند. اگر ایران به دلیل تهدیدات خارجی موضع سخت‌تری بگیرد، این قبال برنامه هسته‌ای خود اتخاذ کند، احتمال بروز کمه احیای برجام روسیه و چین از ایران در سازمان‌های بین‌المللی افزایش یابد. عنوان یک متحد راهبردی مهم‌تر در برابر آمریکا ببیند و همکاری‌های نظامی و اقتصادی خود را با ایران افزایش دهد. چین نیز، به دلیل وابستگی به انرژی ارزان و رقابت با آمریکا، احتمالاً موضع بی‌طرفانه‌تری به حمایت از ایران در برابر فشار غرب اتخاذ خواهد کرد. البته اخیراً، این احتمال وجود دارد که هر دو شریک تلاش کنند ایران را به ادامه دیپلماسی تشویق کند.

در کل، اظهارات برخی مسئولان، می‌تواند در داخل کشور حس امنیت ملی را تقویت کرده و موجب افزایش مطالبه‌گری درباره تغییر احتمالی سیاست‌های بازدارندگی ایران شود و در سطح سیاسی نیز، ممکن است به عاملی برای وحدت جناح‌های مختلف در برابر تهدیدات خارجی تبدیل شود، اما از سوی دیگر، این اظهارات می‌تواند احتمال تشدید فشارهای بین‌المللی میان حامیان تعامل با غرب و حامیان سیاست بازدارندگی ایجاد کند که خویشتن‌دار باشد. با توجه به روند واکنش‌ها بعد از اظهارات برخی مسئولان، می‌توان به این احتمال را تأکید کرد.

گام پنجم
اثرات اقتصادی و تحریمی اظهارات برخی مسئولان

اظهارات اخیر برخی مسئولان در باره سیاست‌های هسته‌ای ایران می‌تواند پیامدهای مختلفی به همراه داشته باشد که برخی از ابعاد آن را بررسی کردیم اما در ادامه و در گام پنجم، تأثیرات احتمالی این اظهارات بر سرمایه‌گذاری خارجی، بازارهای مالی، تجارت بین‌المللی و سیاست‌های تحریمی غرب بررسی می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی و تعاملات اقتصادی بین‌المللی ایران، همواره تحت تأثیر فضای سیاسی و دیپلماسی قرار داشته است. هرگونه اظهار نظر تهدیدآمیز یا تشدید تنش در عرصه بین‌المللی، می‌تواند تأثیراتی همچون ناطمینانی اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و انتظارات تورمی را به همراه داشته باشد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به یک کشور در نظر می‌گیرند، ثبات سیاسی و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد آن کشور است. اظهاراتی که احتمال تغییر بنیادین در روابط ایران و غرب را افزایش دهد، می‌تواند منجر به کاهش ورود سرمایه خارجی به ایران، به‌ویژه از سوی شرکت‌های اروپایی و آسیایی که نگران تحریم‌های آمریکا هستند، جریان سرمایه‌های داخلی و افزایش ریسک اقتصادی و کاهش رشد سرمایه‌گذاری بلندمدت شود. برای اثبات این موضوع، می‌توان به شرایط ایران پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ اشاره کرد که بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی مانند توتال، زیمنس و پتروناس از پروژه‌های ایران خارج شدند. در این خصوص، نمی‌توان نرم انتظاری را نیز نادیده گرفت. اظهاراتی که موجب افزایش تنش‌های بین‌المللی شود، می‌تواند باعث افزایش انتظارات تورمی شود. تجارب گذشته نشان داده در شرایطی که بازارهای مالی تحت تأثیر خبرهای سیاسی قرار دارند، احتمال افزایش نرخ ارز به دلیل نگرانی از تحریم‌های بیشتر و کاهش درآمدهای ارزی، افزایش قیمت کالاهای اساسی به دلیل وابستگی به واردات و کاهش رشد اقتصادی به دلیل ناطمینانی در فضای کسب‌وکار، بیشتر می‌شود. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۹، زمانی که تنش‌ها بین ایران و آمریکا در خلیج فارس تشدید شد، ایرانی‌ها نوسانات ارزی و افزایش قیمت کالاهای اساسی را تجربه کردند.

اینه یک نکته کلیدی و مهم در خصوص تأثیرهای اظهارات برخی مسئولان بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و مسائل اقتصادی داخلی ایران وجود دارد و آن، هماهنگی و مدیریت بایسته و شایسته دولت و سیاست‌گذاران است. اگر دولت و حاکمیت در شرایط مذکور ضمن هماهنگی کامل طرح‌ها و اقدامات تکنیکی حمایتی لازم را در دستور کار داشته باشند، می‌توانند اثرات منفی مقطعی این اظهارات را خنثی و مدیریت کنند. اساسا و بهره‌برداری لازم از این اظهارات را داشته باشند.

در این میان، برخی اشخاص مدافع تعامل با غرب معتقدند این اظهارات احتمال تشدید تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران را بیشتر می‌کند تا به بیان دیگر، آمریکا و متحدانش از اظهارات برخی مسئولان به عنوان بهانه‌ای برای افزایش فشارها در برابر ایران استفاده کنند. اما تکیه اینجاست که اولاً به ادعای خود مقامات آمریکایی و غربی، تحریم‌ها در مقابل ایران هیچ مثل گذشته کارایی ندارد و ثانیاً تجارب گذشته نشان داده تحریم‌های آمریکا و کشورهای اروپایی علیه ایران همواره سیاسی بوده و برای اینکه تحریم‌ها نیز حتی اگر خللی وجود نداشته باشد، دلیل و بهانه‌ای از سوی این کشورها ایجاد شده است و هر بار به بهانه‌ای تحریم‌های جدیدی بر نفت و گاز، بانک‌های ایرانی و دسترسی به سیستم مالی جهانی، شرکت‌های خارجی همکار با ایران و نیازهای فناورانه و تکنولوژی، اعمال شده است که دلیل اصلی و واقعی همه آن‌ها جلوگیری از افزایش قدرت و نفوذ ایران در حوزه‌های مختلف بوده است. به عنوان مثال، چندروز پیش ترامپ در راستای سیاست فشار حداکثری، تحریم‌های جدیدی دست پیدا کند و در سومین دور، ۶ فرد و ۶ نهاد مستقر در ایران، امارات و چین را به فهرست تحریم‌های خود اضافه کرد. مثال دیگر، در سال ۲۰۱۹ دولت ترامپ از برنامه موشکی ایران به‌عنوان بهانه‌ای برای تحریم‌های جدید علیه صنایع فلزی و پتروشیمی ایران استفاده کرد و بار سال ۲۰۲۲، اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه شرکت‌های مرتبط با برنامه پهپادی ایران اعمال کرد. نکته دیگر مدافعان این تفکرات، تأثیر اظهارات مذکور بر مذاکرات احتمالی احیای برجام است و مدعی هستند اگر این اظهارات باعث شود که اروپا و آمریکا موضع سخت‌تری در قبال ایران اتخاذ کنند، احتمال احیای برجام کاهش خواهد یافت و محدودیت‌های بیشتر اقتصادی بر ایران اعمال خواهد شد. اما به اعتقاد نویسنده، مهم‌ترین نکته‌ای که در این خصوص باید به آن توجه ویژه شود این است که آمریکایی‌ها علی‌ما مذاکره به عنوان راهکاری برای پیگیری و حل مسائل نگاه نمی‌کنند و مذاکره را نیز همچون حمله نظامی و تجهیزات نظامی، یک راهکار یا ابزار برای دستیابی به اهداف و دریافت امتیازات از طرف مقابل می‌دانند. پس با توجه به تجارب تاریخی از عملکرد این کشور و بی‌تعهدی‌های فراوان آن در مقابل دوستان و دشمنان خود، نباید چندان برای این موضوع اهمیت قائل شد. اما با این حال اگر ایران بتواند کنترل دقیقی بر روایت رسانه‌ای و اظهارات مقامات خود داشته باشد، دیپلماسی فعال را پیگیری کند و همکاری با کشورهای دوست مانند چین و روسیه و کشورهای عضو سازمان‌هایی که اخیراً به عضویت آن‌ها درآمده است مثل شانگهای، اوراسیا و بریکس را با تحکیم روابط و تعاملات اقتصادی و جایگزینی مسیرهای اقتصادی محدود شده، به صورت جدی پیگیری کند، می‌تواند اثرات تحریم‌ها و حتی تحریم‌های احتمالی جدید را نیز کاهش دهد که این مهم در گروی خواست، برنامه‌ریزی و پیگیری استفاده از فرصت‌های موجود است.

اما در این شرایط، فارغ از نتایج و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم اظهارات برخی مسئولان بر اقتصاد و تجارت خارجی ایران، باید دیپلماسی اقتصادی فعال برای برقراری ارتباط و تعامل نزدیکتر و بیشتر با کشورهای همسایه، همسو و همسوید، با هدف کاهش وابستگی به غرب، تقویت زیرساخت‌های مالی داخلی و توسعه سیستم‌های پرداخت جایگزین برای کاهش وابستگی به دلار، حمایت از بخش خصوصی و کاهش موانع داخلی سرمایه‌گذاری، مدیریت فضای رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی برای تسهیل و تقویت روند تحقق اهداف مدنظر و... به صورت جدی و بر اساس اسناد بالادستی کشور، در دستور کار مسئولان کشور قرار گیرد. در کنار همه این اقدامات مهم، ضرورت دارد مسئولان و سیاست‌مداران ایرانی در اظهارات خود استراتژی هوشمندانه‌ای را برای کاهش ریسک‌های سیاسی و اقتصادی اتخاذ کنند.

گام ششم
اظهارات برخی مسئولان، نقش رسانه‌ها و جنگ‌شناختی

موضوع اظهارات برخی مسئولان، مانند سایر موضوعات مرتبط با سیاست خارجی و برنامه هسته‌ای ایران در عرصه رسانه‌ای بین‌المللی بازتاب گسترده داشته و با تحلیل‌های مختلف و حتی تحریف‌هایی از سوی رسانه‌های غربی مواجه شده است که نویسنده در گام ششم، به بررسی و تبیین آن‌ها خواهد پرداخت. علاوه بر این برای درک بهتر موضوع مورد بحث، اظهارات برخی مسئولان از منظر جنگ شناختی (Cognitive Warfare) نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نحوه پوشش رسانه‌های غربی و تحلیل جهت‌دار آن‌ها در باره موضوعات مرتبط با سیاست خارجی و برنامه هسته‌ای ایران، قرائت روشن و تکراری است که به یک موضوع کلیشه‌ای تبدیل شده و نیاز به توضیح چندانی ندارد. رسانه‌های غربی معمولاً در تحلیل تحولات مربوط به ایران از چند چهارچوب مشخص و تکراری مثل چهارچوب تهدیدآمیز (Threat Frame)، چهارچوب بحران (Crisis Frame)، چهارچوب حقوق بشر و سرکوب داخلی (Human Rights Frame)، استفاده می‌کنند. در این رسانه‌ها و در قالب چهارچوب تهدیدآمیز، ایران همواره به‌عنوان یک «تهدید جهانی»، «کشوری متخاصم»، یا «متحد کشورهای محور شرارت» معرفی می‌شود. برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان یک خطر برای امنیت بین‌المللی مطرح می‌شود حتی اگر صلح‌آمیز بودن آن بارها از سوی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و خود ایرانی‌ها تأیید و تأکید شده باشد. در چهارچوب بحران، هرگونه تحرک در مواضع مقامات ایرانی، به‌عنوان «بحران جدیدی» در خاورمیانه تفسیر می‌شود. این چهارچوب معمولاً برای القای ثبات چهارچوب‌های مذکور، به عنوان مثال در سال ۲۰۱۸ پس از خروج آمریکا از برجام، رسانه‌هایی مانند CNN و BBC تلاش کردند نشان دهند ایران به‌دنبال ساخت سلاح هسته‌ای است، درحالی‌که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را تأیید کرده بود یا در سال ۲۰۲۲ پس از مذاکرات وین، روزنامه‌هایی مانند نیویورک تایمز گزارش‌هایی منتشر کردند که گویی ایران قصد دارد به‌زودی به سلاح هسته‌ای دست یابد، درحالی‌که هیچ اسنادی و هیچ‌گونه شواهدی برای این ادعا وجود نداشت. در این میان، رسانه‌های وابسته به لابی‌های ضدایرانی نیز چهارچوب‌های مشخص خود را دارند. برخی رسانه‌ها و اندیشکده‌های غربی که به لابی‌های ضدایرانی مانند AIPAC در آمریکا و اندیشکده‌هایی مثل WINEP و FDD در ارتباط هستند، سعی می‌کنند هرگونه اظهار نظر مقامات ایرانی را به‌عنوان نشانه‌ای از رویکرد تهاجمی و تهدیدآمیز ایران جلوه‌دهند. به عنوان مثال، رسانه‌هایی مانند فاکس‌نیوز و جروزالم پست، اظهارات برخی مسئولان را دلیلی بر ترسیم نشدید تحریم‌ها و فشارها علیه این کشور علیه ایران معرفی کردند یا روزنامه‌های اروپایی مانند اشپیگل یا گاردین این اظهارات را به‌عنوان عامل جدیدی برای کاهش شانس احیای برجام و افزایش تنش در خاورمیانه تحلیل کردند.

در این میان، جنگ شناختی به عنوان یک استراتژی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است که ضرورت دارد اظهارات مذکور از این باب نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. جنگ‌شناختی (Cognitive Warfare) به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که هدف آن تأثیرگذاری بر ادراک، شناخت و تصمیم‌گیری دشمنان از طریق کنترل اطلاعات و عملیات روانی است. در این چهارچوب، اظهارات مقامات ایرانی می‌تواند یک لقمه آگاهانه برای ارسال پیام‌های استراتژیک باشد. به‌عبارت‌دیگر، چنین سخنانی می‌تواند بخشی از یک استراتژی کلان برای ارسال پیام به داخل، بازیگران منطقه‌ای و حتی ایجاد ابهام و سردرگمی در جبهه مقابل باشد.

به اعتقاد نویسنده، ۴ هدف مهم احتمالی این استراتژی از زاویه جنگ‌شناختی، ارسال پیام بازدارندگی، به غرب و برخی قدرت‌های امتیاز، ثبات، امنیت و افزایش انسجام ملی، ارسال پیام به کشورهای منطقه و متحدان استراتژیک، ایجاد ابهام و افزایش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات می‌باشد. بیان مواضع قاطع درباره توانایی‌های ایران می‌تواند دشمنان را از اقدامات تهاجمی یا فشارهای بیشتر منصرف کند. درواقع، این نوع موضع‌گیری‌ها ممکن است بخشی از یک استراتژی برای افزایش هز